

Win Your Own World Cup

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

20 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

completely deafening

کاملاً گوش‌خراش

DEF

So extremely loud that it is overwhelming.

Strong collocation often used for crowds, applause or noise.

FA

آن قدر بلند که طاقت‌فرسا باشد.

ترکیب قوی اغلب برای جمعیت، تشویق یا سر و صدا استفاده می‌شود.

MetLife Stadium, completely silent and then completely deafening all in the same second.

ورزشگاه مت‌لایف در همان یک ثانیه کاملاً ساکت و بعد کاملاً گوش‌خراش شد.

The applause became completely deafening after the final whistle.

تشویق‌ها بعد از سوت پایان کاملاً کرکننده شد.

2

here's the twist

نکته غافلگیرکننده اینجاست

DEF

Here is the surprising change or revelation in the story.

A narrative signpost used before unexpected information.

FA

بخش غیرمنتظره داستان را معرفی می‌کند.

یک تابلوی راهنمای روایی که قبل از اطلاعات غیرمنتظره استفاده می‌شود.

Now, here's the twist, friends.

حالا نکته غافلگیرکننده اینجاست، دوستان.

Here is the twist: the smallest habit produced the biggest change.

پیچ و تاب اینجاست: کوچکترین عادت بزرگترین تغییر را ایجاد کرد.

3

walk away with

با خود بردن · برداشت کردن

DEF

To finish an experience having gained something useful.

Phrasal verb emphasizing what a person retains afterward.

FA

از یک تجربه چیزی مفید به دست آوردن.

فعل عبارتی که بر چیزی که فرد پس از آن حفظ می‌کند تأکید می‌کند.

Because if you stay with us until the end, you will walk away with four things.

اگر تا پایان با ما بمانید، چهار چیز به دست خواهید آورد.

Every player walked away with a lesson about patience.

هر بازیکنی با یک درس در مورد صبر کنار رفت.



4

clean sheet

کلین شیت

DEF

A match in which a team concedes no goals.
Standard football collocation, especially common in British English.

FA

بازی‌ای که تیم در آن هیچ گلی دریافت نمی‌کند.
 ترکیب استاندارد فوتبال، به ویژه در انگلیسی بریتانیایی رایج است.
Seven clean sheets on a new World Cup record.
The goalkeeper kept a clean sheet in the most important match.
 هفت کلین شیت، یک رکورد جدید جام جهانی.
 دروازه بان در مهمترین بازی دروازه خود را بسته نگه داشت.

5

fall behind

عقب افتادن

DEF

To move into a losing position in a game or competition.
Also used figuratively for failing to keep pace.

FA

در بازی یا رقابت در موقعیت بازنده قرار گرفتن.
 همچنین به صورت مجازی برای شکست در همگامی استفاده می‌شود.
Spain never even fell behind, not in one single match of the whole tournament.
Missing one practice session does not mean you have fallen behind.
 اسپانیا در هیچ یک از بازی‌های کل مسابقات عقب نیفتاد.
 از دست دادن یک جلسه تمرین به این معنی نیست که شما عقب افتاده اید.

6

composure

خونسردی

DEF

Calm self-control in a difficult or high-pressure situation.
More formal and precise than calmness.

FA

کنترل آرام خود در شرایط دشوار یا پرفشار.
 رسمی تر و دقیق تر از آرامش.
How does a team play with that much composure on the biggest stage in the world?
She kept her composure even when the result looked impossible.
 یک تیم چگونه با این همه خونسردی در بزرگ‌ترین صحنه جهان بازی می‌کند؟
 او حتی زمانی که نتیجه غیرممکن به نظر می‌رسید خونسردی خود را حفظ کرد.

7

grow up together

با هم بزرگ شدن

DEF

To spend one's childhood or formative years together.
Here it also suggests shared development inside one system.

FA

دوران کودکی یا سال‌های شکل‌گیری را با هم گذراندن.
 در اینجا همچنین توسعه مشترک در یک سیستم را پیشنهاد می‌کند.
About solidarity, about a group of footballers who grew up together
The players grew up together and trusted one another completely.
 درباره همبستگی، درباره گروهی از فوتبالیست‌ها که با هم بزرگ شدند.
 بازیکنان با هم بزرگ شدند و کاملاً به یکدیگر اعتماد داشتند.



8

back that up

تأیید کردن

DEF

To provide evidence that supports a claim.

Informal phrasal verb; here the manager's record supplies proof.

FA

*And his own record backs that up perfectly.**The statistics back up his claim about consistent practice.*

برای پشتیبانی از یک ادعا مدرک ارائه کردن.
فعل عبارتی غیررسمی؛ در اینجا سوابق مدیر مدرک ارائه می کند.

و کارنامه خودش این را کاملاً تأیید می کند.

آمارها ادعای او در مورد تمرین مداوم را تأیید می کند.

9

shared identity

هویت مشترک

DEF

A common sense of who a group is and what it represents.

A sociological collocation connecting values, belonging and behavior.

FA

*It was a team's shared identity that actually won it.**A shared identity helped the team work toward one goal.*

درک مشترک یک گروه از چیستی و ارزش های خود.
یک ترکیب جامعه شناختی که ارزش ها، تعلق و رفتار را به هم متصل می کند.

این هویت مشترک تیم بود که واقعا پیروز شد.

یک هویت مشترک به تیم کمک کرد تا به سمت یک هدف کار کند.

10

land on the same four words

به همان چهار کلمه رسیدن

DEF

To independently arrive at the same four words or conclusion.

Figurative use of land on meaning reach or select.

FA

*And a sports journalist all land on the same four words,**After a long discussion, they landed on the same four words.*

مستقل از هم به همان واژه ها یا نتیجه رسیدن.
استفاده مجازی از زمین به معنای رسیدن یا انتخاب.

و یک روزنامه نگار ورزشی همگی به همان چهار کلمه می رسند.

پس از یک بحث طولانی، آنها بر روی همان چهار کلمه فرود آمدند.

11

keep their shape

آرایش خود را حفظ کردن

DEF

To maintain an organized formation under pressure.

Football collocation also useful figuratively for preserving structure.

FA

*They simply kept their shape.**Strong routines keep their shape when pressure increases.*

زیر فشار ساختار منظم را حفظ کردن.
ترکیب فوتبال نیز به صورت مجازی برای حفظ ساختار مفید است.

آنها فقط آرایش خود را حفظ کردند.

روتین های قوی با افزایش فشار شکل خود را حفظ می کنند.



12

hold on to that idea

آن ایده را نگه داشتن

DEF

To remember and keep considering a particular idea.

Figurative phrasal verb treating an idea like an object one can hold.

FA

ایده‌ای را به خاطر سپردن و همچنان در نظر داشتن.
فعل عبارتی تصویری که با یک ایده مانند شیئی رفتار می‌کند که می‌توان نگه داشت.

Friends, hold on to that idea.

دوستان، این ایده را نگه دارید.

Hold on to that idea when progress feels slow.

زمانی که پیشرفت کند احساس می‌شود این ایده را حفظ کنید.

13

compound into

به تدریج به چیزی بزرگ تبدیل شدن

DEF

To accumulate gradually and develop into a much larger result.

Borrowed from compound growth in finance; common in habit formation.

FA

کم‌کم روی هم جمع شدن و نتیجه‌ای بسیار بزرگ‌تر ساختن.
وام گرفته شده از رشد مرکب در امور مالی؛ در شکل‌گیری عادت رایج است.

Small habits, repeated consistently, compound into something enormous over time.

عادت‌های کوچک با تکرار مداوم به مرور به چیزی عظیم تبدیل می‌شوند.

Small improvements compound into a major advantage over time.

پیشرفت‌های کوچک در طول زمان به یک مزیت بزرگ تبدیل می‌شوند.

14

at the heart of

در قلب

DEF

At the central or most important part of something.

Common figurative prepositional phrase.

FA

در بخش مرکزی یا مهم‌ترین قسمت چیزی.
عبارت اضافه مجازی رایج.

There's a training exercise at the heart of Spanish football, friends, called a rondo.

دوستان، در قلب فوتبال اسپانیا تمرینی به نام روندو قرار دارد.

Trust was at the heart of the team's success.

اعتماد در قلب موفقیت تیم بود.

15

a handful of

تعداد انگشت‌شماری

DEF

A small number or amount of something.

Informal quantifier; figuratively, what could fit in one hand.

FA

تعداد یا مقدار کمی از چیزی.
کمیت ساز غیر رسمی؛ به طور مجازی، آنچه می‌تواند در یک دست جا شود.

A handful of words.

تعداد انگشت‌شماری واژه.

A handful of useful phrases can transform a conversation.

چند عبارت مفید می‌تواند یک مکالمه را متحول کند.



16

transfer to real conversation

انتقال به مکالمه واقعی

DEF

To carry over and become usable in genuine conversation.

Educational collocation about applying practice beyond the learning exercise.

FA

*Very little transfer to real conversation.**Repeated practice helps new language transfer to real conversation.*قابل استفاده شدن تمرین در یک گفت‌وگوی واقعی.
ترکیب آموزشی در مورد اعمال تمرین فراتر از تمرین یادگیری.

انتقال بسیار کم به مکالمه واقعی.

تمرین مکرر به انتقال زبان جدید به مکالمه واقعی کمک می‌کند.

17

in isolation

به صورت جداگانه

DEF

Separately, without context or connection to other things.

Common academic phrase criticizing decontextualized learning.

FA

*Endless grammar worksheets, for instance, memorized in isolation with no real context.**A single result means very little when viewed in isolation.*جدا و بدون زمینه یا ارتباط با چیزهای دیگر.
عبارت آکادمیک رایج در انتقاد از یادگیری متن‌زدایی.

مثلا برگه‌های بی‌پایان دستور زبان که جدا و بدون زمینه واقعی حفظ شده‌اند.

یک نتیجه منفرد وقتی به صورت مجزا دیده شود بسیار کم است.

18

flashy

پر زرق و برق

DEF

Designed to attract attention by appearing exciting or impressive.

Often mildly negative: attractive on the surface but not necessarily substantial.

FA

*It is not flashy.**The method is not flashy, but it works consistently.*طراحی شده برای جلب توجه با ظاهر هیجان‌انگیز.
اغلب خفیف منفی: جذاب در سطح اما نه لزوماً قابل توجه.

پر زرق و برق نیست.

این روش زرق و برق دار نیست، اما به طور مداوم کار می‌کند.

19

hiding in plain sight

پنهان در برابر چشم

DEF

Present and visible, yet unnoticed because people fail to recognize it.

Idiom for something concealed despite being openly observable.

FA

*And the training secret hiding in plain sight.**The solution had been hiding in plain sight all along.*چیزی که آشکارا وجود دارد اما دیده یا شناخته نمی‌شود.
اصطلاح برای چیزی که با وجود قابل مشاهده بودن پنهان است.

و راز تمرینی که در برابر چشم پنهان بود.

راه حل در تمام مدت در معرض دید پنهان بود.



20

show up for

متعهدانه حاضر شدن

DEF

To be present and committed to an activity or responsibility.

More than physically arriving: it implies dependable effort.

FA

برای یک فعالیت یا مسئولیت حاضر و متعهد بودن.
فراتر از رسیدن فیزیکی: مستلزم تلاش قابل اعتماد است.

And show up for them tomorrow, whether you feel like a champion or not.

و فردا برای آنها حاضر شوید، چه احساس قهرمان بودن داشته باشید چه نه.

Show up for your practice even when motivation is low.

حتی زمانی که انگیزه کم است برای تمرین خود حاضر شوید.

